



## نظر بدالله کابلی درباره گرایش‌های خوشنویسی

بدالله کابلی دارنده نخستین گواهی‌نامه استادی و درجه یک هنری در خط شکسته معاصر درباره گرایش‌های خوشنویسی در حراج تهران گفت: قطعاً در بین این آثار، آثار درخشان و استثنایی از دهه‌های اخیر را شاهد هستیم. از این جهت خوشحالم چرخه اقتصادی و مالی که در این مراسم‌ها فراهم می‌شود، به نوعی تلاش و کوشش هنرمند را تضمین می‌کند اما اینکه مسئولان این حراج به امر خوشنویسی بی‌عنایتی می‌کنند، نگران و متأسفم می‌کند.



## خبر

## ثبت‌ملی تصنیف و سوگ‌ترانه‌ای درباره «میرزا کوچک‌خان»

تصنیف «میرزا کوچک‌خان» و سوگ‌ترانه «چهقدر جنگ‌لاخوسی» که در وصف میرزا کوچک‌خان سروده شده‌اند، در شورای ملی ثبت‌میراث فرهنگی ناملموس به ثبت ملی رسیدند. «ترا گمامیرزا کوچک‌خان» نام‌تصنیفی است فولکلوریک که شاعری ناشناس در گرامیداشت میرزا کوچک‌خان آن را سروده است. مردم گیلان بارها به‌شیوه‌های مختلف این ترانه را بازخوانی کرده‌اند؛ شناخته‌شده‌ترین نسخه‌از این‌تصنیف متعلق به تیت‌راز پایانی فیلم «کوچک جنگلی» با صدای ناصر مسعودی است و درون‌مایه‌ای دشتی دارد. این‌تصنیف در جلسه شورای ملی ثبت‌میراث فرهنگی ناملموس با عنوان «تصنیف میرزا کوچک‌خان» ثبت ملی شد. همچنین سوگ‌ترانه فولکلوریک «چهقدر جنگ‌لاخوسی» نیز به هم‌تصطفی پورعلی در فهرست ملی میراث ناملموس ایران ثبت شد.



## برای ساخت فیلم درباره حاج‌قاسم نباید عجله کرد

**کهندل** | تهیه‌کننده مستند سینمایی «۷۲ ساعت» معتقد است اکنون برای ساخت فیلم سینمایی درباره شهید سلیمانی نه زود است و نه دیر اما نباید ذوق‌زده شویم و فکر کنیم چون درباره حاج‌قاسم فیلم می‌سازیم حتماً فیلم خوبی می‌شود. او می‌گوید: چه بسا درباره امام(ره) هم

فیلم‌های بد ساخته شده، درباره حاج‌قاسم نیز همین است، باید به ایده و درام درست رسید. مهدی مطهر تأکید کرد: فیلم‌سازان جوان تجربه‌های اول فیلم‌سازی‌شان را با محتوای انقلابی شروع کنند.

مجید رضاییان مؤسس «مدرسه روزنامه‌نگاری و مطالعات رسانه» مؤسسه بهاران و استاد دانشگاه از زمان برگزاری «ورک‌شاپ‌های نه‌گانه زمستانه» و مجوز نشر آثار دیجیتال و مکتوب این مدرسه خبر داد. وی گفت: مدرسه «ورک‌شاپ‌های تک‌موضوعی» و نه‌گانه خود را در فصل زمستان آغاز کرده است. نخستین ورک‌شاپ ۳۰ دی ماه

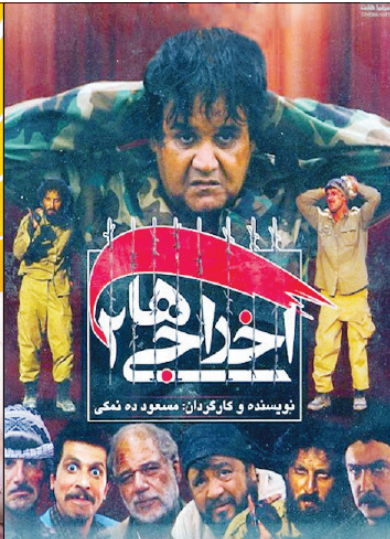
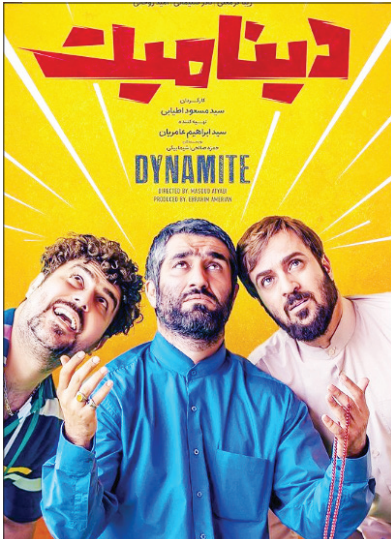
برای علاقه‌مندان به ورک‌شاپ‌های روزنامه‌نگاری است و تا آخر اسفند این ورک‌شاپ‌ها ادامه دارد. این ورک‌شاپ‌ها از طریق لایو اینستاگرام مؤسسه بهاران برگزار می‌شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. ۹ «ورک‌شاپ تک‌موضوعی» را در این مدت برگزار خواهیم کرد که به موضوعات تازه‌ای خواهند پرداخت: موضوعاتی که پرسش این روزهای علاقه‌مندان به شمار می‌آید.

**صبا کریمی** | مجموع فروش فیلم «دینامیت» ساخته مسعود اطیابی در آستانه ثبت ۴۰ میلیارد تومان و در صدر پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران قرار گرفته است. این فیلم توانسته جایگاه شماره یک را از

## گزارش

## گزارش تحلیلی درباره فروش بالای فیلم‌های کم‌دی در ایران

# با سلیقه مردم نجنگیم آن را ارتقا بدهیم



کم‌دی مورد استقبال قرار می‌گیرند زیرا مردم را برای ساعاتی از سختی‌های روزگار و «دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی دور می‌کنند و من به آن‌هایی که درد مشترک جامعه را دریافت کرده و راه مسالمت‌آمیزی برای آن یافته‌اند تبریک می‌گویم.

**جامعه‌ماز ابتدا شادمان بوده است**  
پروفسور حسین‌باهر، جامعه‌شناس و کارشناس رسانه معتقد است جامعه به شادی نیاز مبرم دارد و این همان چیزی است که تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آن را نادیده گرفت. او می‌گوید: از قدیم نیاز به شادمانی و تفریحات سالم در میان مردم دیده می‌شد و به‌طور خاص حضور در مراسم و مناسک شادمانی به عنوان یک سنت مطرح بود و همچنین در گذشته‌های دور نیز رقص سماع و برخی آیین‌های مذهبی شادی‌بخشی وجود داشتند که اکنون بسیار کم‌رنگ شده‌اند در حالی که نیاز به آن همچنان حس می‌شود. طبیعتاً در این میان هر آنچه بتواند این مسئله را تا حدودی مرتفع کند از سوی مردم با استقبال مواجه خواهد شد.

وی در ادامه می‌افزاید: سینما هم به دلیل وجه لذت‌بخش و سرگرمی‌ساز خود همواره مورد توجه جامعه بوده و قاعداً سینمای کم‌دی هم جزو مواردی است که می‌توان این حلقه‌های مفقوده را در آن یافت. از سویی دیگر بخشی از این نیاز هم در برخی سنت‌ها و آیین‌های قدیمی ما مانند شب یلدا و ایام نوروز برآورده می‌شود و این نشان می‌دهد جامعه‌ما از ابتدا جامعه شادمانی بوده و بررسی کتیبه‌های قدیمی و دست‌نوشته‌ها هم این ادعا را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد آرزوی بزرگان نیز شادی و آرامش مردم بوده است.

شادی به هر طریقی که به وجود بیاید ایجادشعف و شغف ایجاد شرف می‌کند؛ این را پروفسور باهر می‌گوید و تأکید می‌کند: بنابراین باید این طور استنتاج کرد سینمای کم‌دی و حتی تئاترهای

**گیشه شلوغ لازمه حیات طبیعی سینماست**  
اما رضا درستکار، منتقد سینما نیز پیشتر در یادداشتی درباره اینکه چرا اساساً انتخاب مردم کم‌دی است، اظهارات جالبی کرده بود. به گفته وی فرهنگ‌ها ناقص و متناقض‌اند. مثلاً ما دوست داریم چراغ سالن‌های سینما روشن باشد و چرخه اقتصاد هنر بچرخد و فرصت فیلم دیدن برای همه مردم فراهم باشد. گیشه شلوغ هم لازمه حیات طبیعی سینماست. اما جدول پرفروش‌های سینما در اختیار فیلم‌های طنز است و گرفتاری آنجاست که چنین فیلم‌هایی اغلب نازل‌اند و ارتقادهنده سطح سلیقه عمومی مردم هم نیستند. درستکار معتقد است نباید با سلیقه مردم جنگ کرد، اما کمک به ارتقای آن مفید است. به عقیده این منتقد: مخاطب سینما روی خسته ما در انتخاب فیلم، خارج شدن از فشارهای زندگی را لحاظ کرده و عموماً هم با محافظه‌کاری روی چهره‌ها و سلب‌ریتی‌ها حساب باز می‌کند و در نهایت هم سر از فیلم‌های طنز درمی‌آورد. به گفته وی: مردم در خلا فکری خوب و اراده فرهنگی، به فیلم‌های طنز پناه می‌برند که سینمایی ضعیف‌تر و اما پرهزینه‌تر دارند و غالباً هم مانند پف‌فیل سیری موقت و سوء‌هاضمه می‌آورند. او معتقد است آن‌قدر نوزافکن‌ها روی سینما ز یاد شده که سینماگر را در پرداخت به موضوعات دست به عصا کرده و ریسک تجربه کردن فضاهای جسورانه و خلاقانه در ساخت فیلم‌ها بالا رفته است. استقبال از فیلم کم‌دی لزوماً اتفاقی نگران‌کننده نیست، به ویژه اگر آستانه تحمل را بالا ببریم و سطح عمومی فیلم‌ها، طنز هم‌اندکی ارتقا یابد.

**نیاز به مسکن برای فروکش کردن درها**  
وی در بخش دیگری از سخنان خود در واکنش به اهمیت نیاز روحی جامعه تأکید می‌کند: به‌طور کلی مردم نیازهای مبرم بسیاری دارند و حتماً توجه به مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... در اولویت است و باید به این موارد رسیدگی شود اما نکته اینجاست که ما در این میان به مسکن‌هایی هم نیاز داریم تا برخی آلام و دردهایمان فروکش کند. این مسکن‌ها در فرهنگ ما به صورت شعر، آواز و به‌طور کلی هنر بوده است. سینما نیز از جمله هنرهایی است که می‌تواند به خوبی در نقش یک مسکن عمل کند. به‌نظر علاوه بر سینما، تئاتر و حتی همین رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی نیز به خوبی از امکاناتشان برای شاد کردن مخاطب بهره می‌برند.

پروفسور باهر معتقد است البته این گفته‌ها به این معنا نیست که این وجه سرگرمی‌سازی هنر جلو اندیشه‌را می‌گیرد بلکه هنر به‌طور کلی زاینده درد و تفکر است. او تأکید می‌کند: به‌طور مثال دنیای شاعرانه بستری برای تنگنایهای درونی بوده و عمده اشعار شاعران بزرگ ما درباره همین تنگنایهای درونی است. اگر دقت کنید می‌بینید که همیشه برای معشوق محزون شعر گفته شده و اصولاً هنر باغم همراه است.

## نگاهی به فیلم «بیا بیا» با بازی واکین فینیکس

## لطفاً احساسات را قورت ندهید!



هفته‌ای به اوکلند برو و از جانی می‌خواه به لس‌آنجلس بیاید و از پسر ۹ ساله‌اش مراقبت کند. اما یک هفته تبدیل به چند ماه می‌شود و حتی جانی مجبور می‌شود خواهرزاده‌اش را با خودش به نیویورک و شهرهای دیگر ببرد و در طول این سفر جسی و جانی زوایای پنهانی از وجود یکدیگر را کشف می‌کنند و فضایی را به وجود می‌آورند که هر کدامشان به راحتی درباره احساسات و نگاهشان به زندگی حرف بزنند.

## جاودانه کردن چیزهای کوچک

جسی کودکی باهوش و سرشار از ایده‌های غیرمتعارف و خلاقانه است؛ جانی که با بچه‌های زیادی سرو کار داشته، فهمیده که این بار باید با یک موجود عجیب و غریب

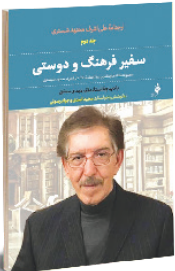
می‌شود. جانی درگیر پروژه‌ای است و با یک ضبط صوت قدیمی، هدفون و میکروفنی بزرگ به شهرهای آمریکا سفر می‌کند و با بچه‌ها درباره نگاهشان به زندگی، آرزوها و اهدافشان و اینکه تصورشان از آینده چگونه خواهد بود صحبت می‌کند. او در پایان هر روز پس از اینکه دوباره به همه مصاحبه‌ها گوش کرد نکاتی را با صدای خودش ضبط می‌کند. اما قصه اصلی با یک تماس تلفنی شروع می‌شود. جانی به بهانه سالگرد درگذشت مادرش با خواهرش «ویو» تماس می‌گیرد. خواهر و برادر که رابطه چندان خوبی با هم ندارند در یک موقعیت ویژه قرار می‌گیرند. ویو خبر از تشدید بیماری روحی همسرش (که مدتی است در شهر دیگری زندگی می‌کند) می‌دهد و می‌گوید مجبور است یک

**کریمی** | «بیا بیا» ساخته مایک مایلز یکی از فیلم‌های پرسروصدای این روزهاست، فیلمی که به دلیل بازی درخشان بازیگرانش و نگاهی متفاوت به زندگی انسان‌ها و ارتباطات خانوادگی و توجهی ویژه به ضرورت بیان عواطف و احساسات درونی و مواجهه درست با افکار ذهنی، مورد توجه منتقدان سینمایی و تماشاگران قرار گرفته است.

مایک مایلز که پیش از این «میت‌دیان»، «زنان قرن بیستم» و... را ساخته بود، حالا با فیلم جدیدش عدم موفقیت فیلم‌های قبلی را یک جا جبران کرده است. واکین فینیکس نیز در این درام که نخستین نقش آفرینی او پس از فیلم تحسین شده «جوکر» محسوب می‌شود، توانسته چالش‌های روحی و عاطفی یک مرد میانسال را به زیبایی ترسیم کند.

## داستان یک روزنامه‌نگار

«بیا بیا» داستان روزنامه‌نگاری به نام «جانی» است که مجبور است چند روزی از خواهرزاده کوچکش «جسی» با بازی وودی نورمن مراقبت کند، این دو که تا به حال ارتباط چندانی با هم نداشتند، فرصت اینکه شناخت بیشتری از همدیگر پیدا کنند را می‌یابند اما در عین حال با چالش‌های زیادی هم مواجه می‌شوند. داستان از دیترویت آغاز



«سفر فرهنگ و دوستی»  
بیش از ۸۰ مقاله  
و یادداشت از  
دوستان و همکاران  
ایرانی و غیرایرانی دکتر  
شیربستی با دیباچه  
استاد دکتر مهدی  
محقق است.

## راهکارهایی برای ترک اعتیاد به تلفن همراه

کتاب «اعتیاد به تلفن‌های همراه» توسط انتشارات کتابستان منتشر شد. هیله‌دا بورک نویسنده کتاب، یک روان‌درمانگر ایرلندی تبار است که پس از سال‌ها کار در حوزه فناوری و ارتباطات، به حوزه روان‌درمانی فناوری وارد شده است. او برای یکی از اپراتورهای معروف تلفن همراه به نام ارنج و همین‌طور سازمان بین‌المللی جی‌اس‌ام‌آر بخش ارتباطات آن‌ها کار کرده است. چیزی که به گفته خود او بخشی از شغل خانوادگی آن‌ها بوده است، از این لحاظ او نسبت به این حوزه تجربیات مهم و دست‌اولی دارد. کتاب «اعتیاد به تلفن‌های همراه» تنها اثر اوست که سال ۲۰۱۹ منتشر شد. «اعتیاد به تلفن‌های همراه» کتابی است کم‌حجم که از یک مقدمه و هفت فصل تشکیل شده است. بورک در مقدمه کتاب خود از تجربیاتش می‌گوید و چگونگی خروج از صنعت ارتباطات و اشتغال به عنوان یک روان‌درمانگر. او ضمن آنکه زندگی‌نامه مختصری از خودش به ما می‌گوید از وضعیت اعتیاد به تلفن همراه هم صحبت می‌کند و در نهایت مختصری درباره کتاب، رسالتش و نحوه خواندن آن می‌گوید.

این کتاب یک کتاب تمرین محور هم هست. مخاطب پس از خواندن هر فصل و نکات مربوط به آن، باید تمرین‌هایی که نویسنده در آن قسمت آورده است را عمل کرده و انجام دهد. از این لحاظ لازم نیست کتاب یک جابخوانده شود بلکه بهتر است هر هفته یک فصل خوانده شود. طبق پیشنهاد نویسنده، مطالعه و انجام دادن تمرین‌های کتاب دست‌کم هفت هفته و ۱۷۲ صفحه و کتاب در ۳۸ هزار تومان با قیمت روانه بازار نشر شده است.